

بررسی ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی در چارچوب برنامه‌ریزی محله - مبنا

نمونه مورد مطالعه محله فیروزسالار گوگان

سعید رفیع پور*

دکتر هاشم داداش پور**

دکتر مجتبی رفیعیان***

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱

تاریخ پذیرش: ۸۹/۸/۲۴

چکیده

بررسی نظریه‌ها و رویکردهای مختلف مرتبط با توسعه محله‌ای در طول صد سال اخیر به نحو کاملی حکایت از تفوق فرهنگ اجتماعی محله بر دیگر جنبه‌های آن دارد، بطوری که بررسی مشخصه‌ها و مفهوم برنامه‌ریزی محله - مبنا نشان می‌دهد که رویکرد مذکور به جای مداخله کالبدی صرف چند متخصص با فرضیه‌های

* کارشناس ارشد شهرسازی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دانشگاه تربیت مدرس heiva1358@gmail.com

** استادیار برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه تربیت مدرس

*** دانشیار برنامه ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس

ساده‌اندیشانه، بر پایه برنامه‌ریزی فرایندگرا، تعامل محور و گام به گام با ظرفیت-سازی، سرمایه اجتماعی و مشارکت مردمی در جستجوی تعامل اجتماعی، تسهیل‌گری و توانمندسازی است. بر این اساس، در این پژوهش پس از بررسی مفاهیم نظری پیرامون موضوع تحقیق، به بررسی ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی در محله فیروزسالار شهر گوغان در استان آذربایجان شرقی در چارچوب رویکرد دارای-مبنا پرداخته شده است. در این مقاله تمایل به مشارکت که پیش نیاز ضروری برنامه‌ریزی محله-مبنا است، به عنوان متغیر وابسته و سایر ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی بعنوان متغیرهای مستقل با روش پیمایش مورد سنجش قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش را کلیه ساکنان محله فیروزسالار شهر گوغان تشکیل می‌دهند، که نمونه آماری بر اساس فرمول ری و پارکر ۹۴ نفر تعیین شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی، همبستگی بالا و مثبتی با تمایل به مشارکت وجود دارد و بین ارزیابی از مشکلات محله و تمایل به مشارکت رابطه معنی دار و معکوسی وجود دارد. مهمترین عامل در تمایل به مشارکت، بعد از امنیت با تأثیر علی ۰/۸۱۹، انسجام اجتماعی با تأثیر علی ۰/۶۶۹ می‌باشد و کمترین عامل تأثیرگذار نیز، هنجارهای اجتماعی با تأثیر علی ۰/۲۳۹ می‌باشد. اعتماد اجتماعی با تأثیر علی ۰/۶۶۵، سومین عامل و مشکلات محله چهارمین متغیر اثرگذار بر تمایل به مشارکت می‌باشند، که با ضریب تأثیر ۰/۱۹۱- بر تمایل به مشارکت در جهت معکوس عمل می‌کند، یعنی با کاهش مشکلات تمایل به مشارکت افزایش می‌یابد. میانگین بی-قدرتی (۳/۰۹)، متوسط به بالا بوده و پنجمین متغیر اثرگذار بر مشارکت با تأثیر علی ۰/۰۵۵۱، بعد از مشکلات محله است. بین احساس بی‌قدرتی و تمایل به مشارکت رابطه مثبت وجود دارد و افرادی که احساس بی‌قدرتی بیشتری می‌نمایند، تمایل به مشارکت نزد آنان بیش از سایرین است. در بین متغیرهای مستقل نیز بیشترین تأثیر علی با مقدار ۰/۵۷۳- میان انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی وجود دارد. بطورکلی سنجش انسجام اجتماعی در روابط با همسایه‌ها و اعتماد با تمام ابعادش (بین شخصی، نهادی و تعمیم یافته) نشان می‌دهد که در محله فیروزسالار، انسجام درونی، سبب کاهش اعتماد تعمیم یافته شده است.

واژه‌های کلیدی: محله، برنامه‌ریزی محله-مبنا، سرمایه اجتماعی، تمایل به

مشارکت، محله فیروزسالار

۱-۱- مقدمه

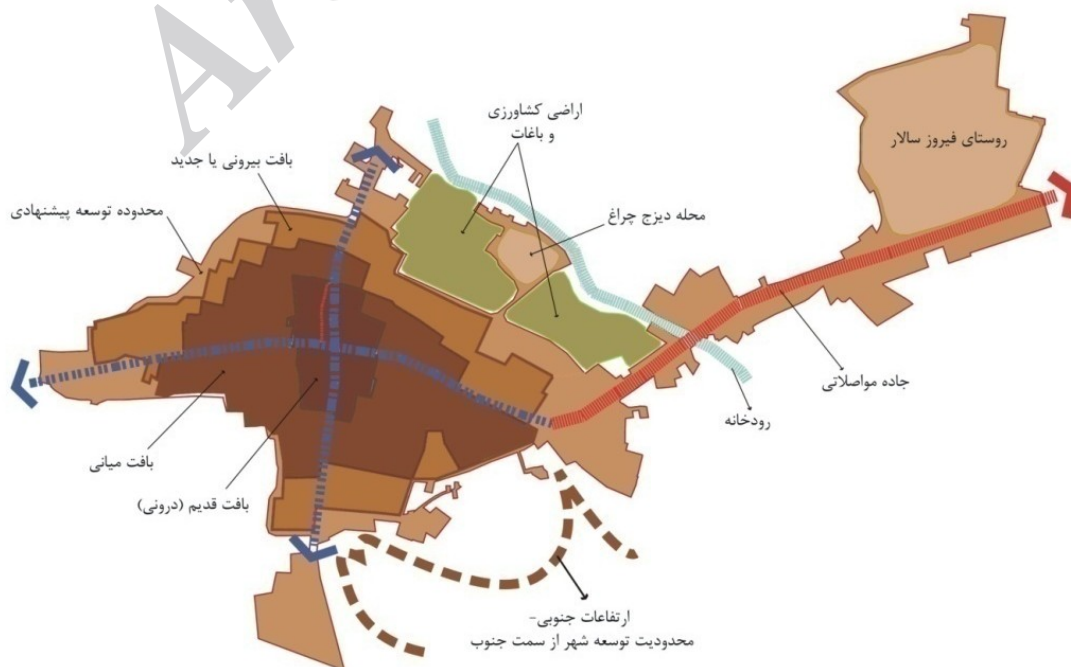
از مهمترین رویکردهای توسعه شهری در مواجهه با رشد مشکل‌آفرین شهرها، توجه به خردترین واحد یعنی محله در چارچوب برنامه‌ریزی محله‌ای است. در بیان مفهوم محله، از سوی محققان علوم مختلف شهری تعاریف مختلفی ارائه شده است، که در تمام تعاریف جدای از برخی تفاوت‌های موجود بین آنها، دو مفهوم جغرافیایی- مکانی و اجتماعی مورد تأکید خاصی قرار گرفته است. محله یکی از مهمترین و اساسی‌ترین تقسیمات کالبدی شهری و از کهن‌ترین میراث‌های شهرنشینی به شمار می‌رود که در گذشته در ساختار فضایی- کالبدی شهرها، کارکردها و نقش‌های مهمی را بر عهده داشته است، اما رشد سریع شهرنشینی به عنوان واقعیتهای فراشمول و اجتناب‌ناپذیر که از اساسی‌ترین ویژگی‌های تحولات ساختاری در حیات اجتماعی جوامع مختلف در تاریخ معاصر محسوب می‌شود از یک سو و فقدان ساز و کار مطلوب به منظور سازماندهی شرایط جدید از سوی دیگر، سبب شده است تا فضای مورد نیاز حیات و بالندگی در شهرها، پیوسته با تهدیدات پی در پی مواجه شود. تغییر در فضای کالبدی و ساختمانی شهرها و انهدام بافت محله‌ای و عدم نهادینه شدن ساختار جدید از جمله علتهای عمده در ایجاد شرایط کنونی است که در شهرها دیده می‌شود.

بدین منظور موضوع توجه به محله‌های شهری به عنوان یکی از واحدهای پایه برنامه‌ریزی شهری و مطالعه ظرفیت‌های موجود در آن و شناسایی و احصاء قابلیت‌ها و تواناییهای جوامع محلی، در اولویت سیاست‌های شهری بسیاری از کشورها قرار گرفته است. در برنامه‌ریزی کشور ما، توجه به موضوع توسعه محله‌ای به جهت عدم توجه بایسته به مسایل محله‌ای و جوامع محلی که معضلات عدیده‌ای را در شهرها به دنبال داشته، دارای جهات و ملزومات اساسی فراوان است.

در این میان، ظرفیت‌سازی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی و تأکید بر مشارکت گروه‌های ذی‌نفع برای رفع محرومیت و مشکلات در سطح محله موضوع بسیار مهمی در این عرصه است که مورد غفلت واقع شده است. برای پرکردن شکاف موجود در

برنامه‌ریزی شهری ایران، محدوده مورد مطالعه در این تحقیق محله فیروزسالار شهر گویان انتخاب شد. این محله دارای منشاء روستایی بوده که بر اثر رشد و گسترش نامنظم شهر، به شکل خطی و در امتداد جاده موصلاتی اصلی امتداد یافته و بر اساس خواسته مدیران شهری به الحاق این روستا به شهر گویان، در چارچوب برنامه‌های عمرانی پیشنهادی طرح‌های، تدوین شده و در نهایت مورد تایید و تصویب مراجع ذیصلاح در سال ۱۳۸۴ قرار گرفته است (نگاه کنید به تصویر ۱). میزان ارتباطات و انسجام اجتماعی مردم ساکن این روستا و روابط اجتماعی آنها از همه گروه‌های اجتماعی (ساکنین، کسبه و...) با حدود مشخص، نشان‌دهنده محدوده یک بافت محله شهری است، و با ضمیمه آن به شهر، محدوده خدمات شهرداری از ۱۸۷/۶۱ هکتار به ۳۳۶/۷۸ هکتار افزایش یافته است؛ اما عدم شکل‌گیری روابط دوسویه بر اثر فاصله و جدایی‌گزینی اجتماعی و همچنین نقش انفعالی ساکنین محله فیروزسالار در ساختار شهر، منجر به نابسامانی در توزیع خدمات، تسهیلات و منابع مختلف شده، و در نتیجه محرومیت اجتماعی و در حاشیه قرار گرفتن این محله را به همراه داشته است.

تصویر ۱: الگوی رشد شهر گویان



از این رو در این تحقیق به منظور ایجاد ساز و کارهای مناسب جهت جلب مشارکت شهروندان در چارچوب برنامه‌ریزی محله- مبنا برای رفع مشکلات محله، با توجه به همبستگی درون گروهی و فرهنگ یاریگری موجود ساکنین محله فیروزسالار، ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی ساکنین به روش پیمایش بر اساس ۹۴ مصاحبه مورد مطالعه و سنجش قرار گرفته است.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- مفاهیم و تعاریف محله و اجتماع محلی

با وجود اهمیت محله در مطالعات شهری، تعریف دقیق و یک شکلی از آن وجود ندارد (Shenjing and Fulong, 2006:195). به طور کلی، مفهوم و واژه محله می‌تواند از ابعاد مختلف اجتماعی، روانشناسی، ذهنی، ادراکی، معماری (کالبدی) و سیاسی تعریف شود. هریک از ابعاد مختلف، تعریف خاص خود از محله را ارائه می‌دهند. (عزیزی، ۱۳۸۵: ۳۶ به نقل از: Barton, et al, 2003, 22).

محله به عنوان واحد پایه و اولیه سازمان کالبدی از فضای ساختاری شهر است. که از تجمع پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد رسمی میان گروهی از مردم به وجود می‌آید. برای تشکیل یک محله شهری شرایط چندی لازم می‌باشد:

۱- دارا بودن یک حوزه جغرافیایی از شهر و وسعت کم یا زیاد

۲- پیدایش و تکوین یک اجتماع کوچک گروهی از مردم شهر

۳- وابستگی اجتماعی میان گروهی از مردم شهر (شکوئی، ۱۳۶۵، ص ۴۹).

با جستاری بر معنی محله رویکردهای انسانی، ابزاری و پدیدارشناسی از آن استنتاج می‌شود (Kallus and Law-Yone, 2007:195). رویکرد انسانی به محله به مثابه یک پدیده انسانی عمومی می‌نگرد (Mumford, 1961 Cited in Shenjing and

(Fulong, 2007:195 که اساس آن را سرمایه‌های انسانی و هویت مردمانی که در آن ساکن هستند تشکیل می‌دهد. در رویکرد ابزاری محله ابزاری برای برنامه‌ریزی شناخته شده و به عنوان یک زیرسیستم یا واحدی بنیادی از سیستم پیچیده شهر، قلمداد می‌شود (Alexander, 2007:195).

رویکرد پدیدار شناختی با وجود تشابه با مباحث انسانی، محله را به عنوان یک ساخت اجتماعی و یک پدیده فرهنگی می‌داند بطوری که حس از مکان را با خاطره دسته جمعی از شهر مرتبط می‌داند (Rossi, 2007:195).

نقش محله در طی تاریخ طولانی خود، تلقین حس اجتماع (Community) و همبستگی اجتماعی (social cohesion) بوده است. در واقع فرهنگ اجتماع و باهمستان، بواسطه روابط مکانی و تعهدات محلی نمو و رشد می‌کند و محله در شکل‌دهی حس انسجام و بهم پیوستگی در مردمانی که قلمرو مشترکی را اشغال کرده‌اند، نقش بسزایی دارد (Morrison, 2003: 117).

جورج هیلری پس از بررسی بیش از ۹۰ تعریف در این زمینه، بر وجود سه اصل مشترک در تعریف اجتماع محلی تأکید می‌کند: ۱- یک گستره جغرافیایی ۲- پیوندهای مشترک ۳- تعامل اجتماعی. بررسی وی نشان می‌دهد در حالی که اجماع نظری پیرامون تعریف این اصطلاح وجود ندارد، اما با این وجود روشن است که هر اجتماع محلی اصطلاحی عمومی برای یک وضعیت خاص، دارای روابط متقابل اجتماعی و جنبه‌های خاص سازمان اجتماعی است (ایراندوست، ۱۳۸۴: ۱۰۸).

مفهوم Community، شبکه‌ای است از اجتماع‌های مردمی با هویت، علایق و نظریه‌های مشترک در سطح محلی (Barton, 2003:4).

۲-۲- برنامه‌ریزی محله - مبنا^۱

با وجود واکنش‌های فراوان در عرصه نوآوریها و مطالعات شهری، امروزه الگوی توسعه محله‌ای به ابزار مهمی در تلاش‌های توسعه شهری مبدل شده است (موسوی، ۱۳۸۳: ۱۲) و برای یافتن راه‌حل چگونگی توسعه محله‌ای، به گونه‌ای که ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، کالبدی و شخصیتی محله حفظ شود، نظریه‌ها و رویکردهای گوناگونی پیرامون موضوع توسعه محله‌ای بوجود آمده و نتایج ارزشمندی نیز به دست آمده است.

"همان گونه که برداشت‌های متفاوتی در مورد مفهوم اجتماع محلی وجود دارد، برداشت‌ها و نظریات متفاوتی هم در زمینه توسعه اجتماع محلی - هم از نظر مبانی و هم از نظر روش‌ها و سیاست‌ها و اقدامات - وجود دارد" (عسگری، ۱۳۸۳، ص ۷۰). در این ارتباط "طرح ابنزرهاوارد با عنوان باغ شهرهای فردا، طرح کلرنس پری و کلرنس اشتاین، طرح رادبرن، طرح فرانک لویدرایت در زمینه محله‌های مسکونی و نظریات لوئیس مامفورد، جین جیکوبز و فیشر (Choguill, 2008: 42-44) و همچنین "مجموعه‌های برنامه‌ریزی شده^۲، محله‌های سنتی جدید^۳، محله با محوریت حمل و نقل عمومی^۴، رشد هوشمند (Grant, 2006: 3-5)^۵، توسعه میان فضا^۶ و توسعه محله‌ای پایدار، هر کدام به شکلی بازشناسی ساختار محله‌های شهری با تاکید بر نیاز به توسعه احساس تعلق اجتماعی و مکانی ساکنان را مورد توجه قرار داده‌اند.

بررسی نظریه‌ها و رویکردهای مختلف مرتبط با توسعه محله‌ای در طول صد سال اخیر به نحو کاملی حکایت از تفوق فرهنگ اجتماعی محله، بر دیگر جنبه‌های آن دارد، بطوریکه در نیمه دوم قرن بیستم و به ویژه اواخر قرن، به جای توجه صرف چند

1. Community Based Planning
2. Planned Unit Development
3. Traditional Neighborhood Design
4. Transit- Oriented Development
5. Smart Growth
6. Infill Development

متخصص، با فرضیات ساده اندیشانه و متبحرانه بر نیازها و طراحی کالبدی محلّه، برنامه‌ریزی فرآیندگرا، تعامل محور و گام به گام مورد تأکید قرار گرفته است. بررسی‌ها نشان داده که عدم حضور ساکنین محلّه در طرح‌هایی که برای فضای زندگی آنها تهیه شده، باعث شده تا اهالی به آن طرح‌ها و برنامه‌ها غریبانه نگاه کرده و آنها را تبلور ذهنیات افرادی که هیچ گونه آشنایی با مسائل و نیازهای اهالی ندارند، تلقی کنند.

مفهوم برنامه‌ریزی محلّه - مبنا که بر همین اساس مطرح شده است، مبتنی بر مهندسی اجتماعی بوده و به جای نگرش کلان و مقیاس‌های ذهنی، به ابعاد مشخص فضا - زمان در مقیاس محلی و خرد می‌پردازد. در این رویکرد نگاه برنامه‌ریزی و مدیریت از پایین به بالا، مبتنی بر توانمندسازی، نگرش دارایی - مبنا، تأکید بر منابع انسانی و سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت جمعی ساکنین محلّه‌ها است (حاجی‌پور، ۱۳۸۵: ۳۸). در این راستا "در دهه گذشته، رویکرد دارایی - مبنا^۱ برای توسعه اجتماع محلی و در برابر رویکرد مرسوم نیاز - مبنا^۲ مطرح شده و بر خلاف توسعه اجتماع محلی نیاز - مبنا که مقوله‌ای و پیامدگراست، بر ظرفیت‌سازی تأکید دارد، فرآیندگرا، جامع‌نگر و واجد اهمیت ابزاری است و به سرمایه اجتماعی و کالبدی به عنوان ابزاری برای سایر اهداف می‌نگرد (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۳ و ۳۲).

برنامه‌ریزی محلّه مبنا، برنامه‌ای نیست که از بالا به پایین بوسیله سازمان‌ها و مؤسسات برگزیده اجتماع محلی و یا مشاورین برنامه‌ریزی خارج از شهر تحمیل شود، بلکه ترجیحاً از طریق فرآیند درگیرشدن عموم مردم در یک مکان خاص از طریق ایجاد فرصت‌های وارد شدن شهروندان در سطوح مختلف فرآیند برنامه‌ریزی بوجود می‌آید (Department of Community Affairs, 2005: 8). به کارگیری برنامه‌ریزی محلّه - مبنا بیش از هر چیز نیازمند انسجام و یکپارچگی ساکنین در یک اجتماع محلّه‌ای و تقویت بسترها و زمینه‌های هویت‌ساز محلّه‌ای است (حاجی‌پور، ۱۳۸۵: ۴۴). بدین

- 1 . asset- based
- 2 . need- based

ترتیب کار کردن در کنار یکدیگر و با هدف مشترک و رسیدن جمعی به اهداف برنامه محلی، در مردم نوعی احساس تعلق به فضای محله و جامعه محلی به وجود می‌آورد. احساسی که خود منشاء شکل‌گیری هویت محلی و اجتماع محله‌ای خواهد شد. مردم از طریق مشارکت، درک بهتری از گزینه‌های ممکن برای عمل پیدا می‌کنند و احتمال بیشتری وجود دارد که به مساله به شکل مثبت‌تری نگاه کنند و اعتماد بیشتری به نهادهای برنامه‌ریز پیدا کنند. در حقیقت سرمایه اجتماعی آنان که عامل پیشرفت برنامه است افزایش می‌یابد (امین‌ناصری، ۱۳۸۶: ۱۱۹-۱۲۰).

Oana ضرورت‌ها و نیازمندی‌های یک نوسازی شهری محله‌مبنای مؤثر به شرح ذیل بیان شده است:

- ۱- ایجاد مشارکت محله-مبنا^۱ در بین گروه‌های ذینفع تأثیرگذار^۲ - تسهیل کردن توانمندسازی اجتماع محلی^۳،^۴ - توسعه فرایندهای تصمیم‌سازی مؤثر اجتماع محلی^۳،^۴ - ارتقاء مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی اجتماع محلی^۴،^۵ - بازشناسی سرمایه‌ها و منابع محلی برای خلق یک اجتماع محلی پاسخگو^۵
- ((Oana, 2001: 6).

۲-۳- سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی ابتدا در سال ۱۹۱۶ به نوشته‌های لیدا جی هانیفان^۶ سرپرست وقت مدارس ویرجینای غربی در آمریکا بر می‌گردد که سرمایه اجتماعی را «سرمایه نامحسوسی می‌دانست که در زندگی روزمره افراد دارای اهمیت است» (۲۰۰۳:۳۶۱ Ferlander). بعد از وی گروهی از جامعه‌شناسان شهری کانادایی (سیلی^۷، سیم^۸ و

1 Community-based Partnership

2 Community Empowerment

3 Community Decision-making Processes

4 Community Responsibility and Accountability

5 Community Accessibility to Locally-Generated Fund and other Sources

6. lida J.Hani fan

7. Jan Seely

8. Sim

لوزلی^۱) و در دهه ۱۹۶۰، نظریه پرداز مبادله (هومانس) و استاد مسائل شهری به نام جین جیکوبز و در دهه ۱۹۷۰ اقتصاددانی به نام لوری این ایده را گسترش دادند (ولکاک و نارایان، ۱۳۸۴: ۵۳۴). جین جیکوبز^۲ اصطلاح سرمایه اجتماعی را در کتاب مرگ و زندگی شهرهای بزرگ امریکایی^۳ (۱۹۶۱) و برای تأکید بر ارزشهای جمعی همبستگی-های غیررسمی و همبستگی در مادرشهرهای مدرن بکار برد (Putnam and Kristin, 2002: 5).

به نظر پوتنام سرمایه اجتماعی ویژگی‌های سازمان اجتماعی همچون هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد است که هماهنگی و همکاری را برای رسیدن به سود متقابل و مشترک آسان می‌سازد (Putnam, 1992: 167)، و کلمن سرمایه اجتماعی را مجموعه گوناگونی از هستی‌هایی می‌داند که دارای وجه مشترک هستند، همه آنها وجهی از ساختار اجتماعی را دارا می‌باشند و تسریع‌کننده اعمال خاص اشخاصی که در داخل ساختار فعال‌اند، می‌باشند (Coleman, 1994: 302). به نظر بوردیو سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده، آشنایی و شناخت متقابل - یا به بیان دیگر با عضویت در یک گروه - می‌باشد (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۴۷) و فرانسیس فوکویاما^۴ می‌گوید: سرمایه اجتماعی شکل و نمونه ملموسی از یک هنجار غیررسمی است که باعث ترویج همکاری بین دو یا چند فرد می‌شود. او در تعریف سرمایه اجتماعی به رابطه افراد در خانواده و گروه‌های اجتماعی (فرد با گروه) می‌پردازد و هدفش مورد توجه قرار دادن لیبرال دموکراسی است. (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۶۹).

سرمایه اجتماعی به مفاهیم ارزشمندی مانند: شبکه‌های اجتماعی، روابط متقابل، اعتماد عمومی و تعهد اطلاق می‌شود. سرمایه اجتماعی موقعی انباشت می‌شود که ارتباط

1. Loosely
2. Jone Jacobs
3. The Death and Life of Great American Cities
4. Fukuyama, Francies

متقابل مردم در درون خانواده، محل کار، روابط همسایگی، انجمن‌های محلی و عمومی شکل پیدا می‌کنند (Bastterlaer & Grootna, 2003). به نقل از رحمان سعادت، (۱۳۸۵:۱۷۶).

۲-۴- مشارکت^۱

تجربیات جهانی نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۸۰ میلادی به بعد در برنامه‌های توسعه و همچنین توسعه شهری توجه فزاینده‌ای به رویکرد مشارکتی^۲ صورت گرفته است تا جایی که در حال حاضر مشارکت شهری رمز موفقیت پروژه‌های توسعه شهری است. مشارکت شهری را می‌توان به معنای شرکت و حضور جدی، فعال، آگاهانه، ارادی و سازمان یافته و مؤثر یکان‌های سازنده جامعه شهری یعنی افراد، خانوارها، گروهها، نهادها، سازمانها و بخشهای عمومی و خصوص شهری در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زندگی شهری برای نیل به اهداف جمعی جامعه شهری دانست (نجاتی حسینی، ۱۳۷۹: ۸). مشارکت عمومی، ابزاری است که توسط آن اعضای جامعه قادر به شرکت کردن در تدوین سیاستها و طرح‌هایی می‌شوند که بر روی محیط زندگی آنها تأثیر می‌گذارند (احمدی، ۱۳۷۹، ص ۲۶).

مشارکت جزء اساسی هر شبکه یا گروه اجتماعی است که سبب تعامل بین افراد شده و احساس تعهد ایجاد می‌نماید. تعاریف متعددی از مشارکت شده است، توسلی مشارکت کردن را به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن (توسلی، ۱۳۸۲: ۶۵) دانسته است. علوی-تبار مشارکت را چنین تعریف نموده است: مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیتهای گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدفهای گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (علوی تبار، الف، ۱۳۸۲: ۱۵).

1 Participation

2 Participatory Approach

مشارکت اجتماعی، همه عناصر سرمایه اجتماعی را دربر دارد و هر چند در تحلیل بعد از عناصر سرمایه اجتماعی بروز می‌کند، اما با کمی دقت و شکافتن اجزاء مقوم مشارکت اجتماعی، ملاحظه می‌شود که مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است که سبب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌شود (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۷). لازم به ذکر است که، هر نوع مشارکت، سرمایه اجتماعی بوجود نمی‌آورد، در این مورد ما باید به کیفیت مشارکت توجه داشته باشیم، مشارکت‌هایی که به جای تعقیب اهداف و منافع شخصی به دنبال تأمین منافع جمعی باشند، سرمایه اجتماعی بوجود می‌آورند. (قبادی، ۱۳۸۱: ۵۱).

۳- روش تحقیق

۳-۱- فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و تمایل به مشارکت ساکنین محله فیروزسالار در برنامه‌ریزی محله رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم: بین مشکلات محله فیروزسالار و تمایل به مشارکت در برنامه‌ریزی محله رابطه وجود دارد.

۳-۲- روش جمع‌آوری داده‌ها

روش‌شناسی عبارتست از مطالعه منظم و منطقی اصولی که راهنمای پژوهش علمی واقع می‌شوند (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۴۶۸). در این پژوهش، روش پیمایش برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفته است.

۳-۳- جامعه آماری و روش تعیین حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش را کلیه ساکنان محله فیروزسالار در بهار ۱۳۸۸ تشکیل می‌دهند که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، جمعیت فیروزسالار ۲۴۰۵ نفر بوده است.

تعیین حجم نمونه پیمایش بر اساس داده‌های جدول حداقل اندازه نمونه برای جامعه آماری کوچک، از کتاب تحقیق پیمایشی راهنمای عمل ادواردز و همکاران بدست آمده است. بر این اساس برای جامعه آماری ۳۰۰۰ نفر، با حاشیه خطای ۱۰٪ و سطح اطمینان ۹۵٪، باید ۹۴ نفر را بعنوان نمونه انتخاب نمود (ادواردز و همکاران، ۱۳۷۹: ۹۷)، تا بتوان یافته‌های پیمایش را به کل جامعه آماری تعمیم داد.

۳-۴- اعتبار^۱ و قابلیت اعتماد^۲

مفهوم اعتبار به این سوال پاسخ می‌دهد که ابزار اندازه‌گیری تا چه حد ویژگی مورد نظر را می‌سنجد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۷۰). اعتبار این پژوهش بر اساس اعتبار محتوایی است، اعتبار محتوایی یک آزمون، معمولاً توسط افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می‌شود. برای افزایش اعتبار این پژوهش، پرسشنامه تهیه شده به بعضی استادان مطلع داده شد تا مطالعه نمایند و نظر خود را بیان نمایند.

قابلیت اعتماد [یا پایایی] یکی از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. پایایی با این امر سروکار دارد که ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی بدست می‌دهد (سرمد و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۶۶). در این پژوهش برای سنجش روایی کار پیمایش، ضریب آلفای کرونباخ از بسته نرم افزاری SPSS نگارش ۱۶ محاسبه شد. آلفای کرونباخ بدست آمده به تفکیک شاخص‌ها به شرح زیر می‌باشد:

1. validity
2. Reliability

جدول ۱- بررسی میزان آلفای کرونباخ شاخص‌های پژوهش

آلفای کرونباخ	شاخصها	آلفای کرونباخ	شاخصها
۰/۶۶۰	تصور از هزینه‌های مشارکت	۰/۶۲۴	تمایل به مشارکت
۰/۷۳۲	بی قدرتی	۰/۶۵۷	نگرش نسبت به پرداخت عوارض
۰/۵۶۶	نگرش نسبت به تمایل مسئولان به مشارکت	۰/۶۱۴	اعتماد تعمیم یافته
۰/۵۳۰	انسجام در بعد نزاع با اقوام	۰/۶۳۹	اعتماد نهادی
۰/۷۵۰	انسجام در بعد نزاع با همسایه	۰/۶۳۵	اعتماد به اقوام
۰/۷۰۲	انسجام در بعد گرایش نسبت به همسایه	۰/۵۷۵	اعتماد به همسایگان
۰/۶۴۹	انسجام در بعد گرایش نسبت به اقوام	۰/۷۲۳	تاکید بر هنجار در میان اقوام
۰/۷۶۸	انسجام در بعد تعامل	۰/۸۳۲	تاکید بر هنجار در میان همسایگان

۳-۵- شاخص‌ها و تعاریف عملیاتی

هر چند محققان و نظریه‌پردازان تعاریف متنوع و متفاوتی از سرمایه اجتماعی بیان نموده‌اند، اما با جمع بندی کلی تعاریف می‌توان به مؤلفه‌های مشترک تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی دست یافت، از آنجا که سرمایه اجتماعی انفرادی ساخته نمی‌شود و برای تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی باید گروه یا شبکه اجتماعی تشکیل شود، پس وجود مشارکت در گروه یا شبکه اجتماعی اصل ضروری تشکیل سرمایه اجتماعی می‌باشد. عنصر بعدی وجود دست کمی از اعتماد در گروه است. مؤلفه بعدی وجود

انسجام و همبستگی اجتماعی بین اعضای گروه است که بر مبنای ارزشها و هنجارهای خاص و مورد توافق گروه می‌باشد. در مورد سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی اتفاق نظر مشخصی بین صاحب‌نظران وجود ندارد. فوکویاما می‌گوید: در این باره دست کم دو رویکرد اجتماعی اتخاذ شده است، رویکرد نخست این است که گروهها و اعضای آنها را در جامعه مفروض سرشماری می‌کنند و در رویکرد دوم، داده‌های مربوط به سطوح اعتماد و تعهد و دخالت مدنی بررسی شود (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۸۱).

در این پژوهش، تقریباً رویکرد دوم مدنظر فوکویاما بررسی شده است، یعنی داده‌هایی مبنی بر میزان اعتماد، مشارکت، هنجارها، انسجام، امنیت و بی‌قدرتی بررسی شده است. شاخص‌ها، ابعاد و تعاریف عملیاتی متغیرهای مورد استفاده، در جدول ۲ بطور خلاصه ارائه شده است.

جدول ۲: شاخص‌های سرمایه اجتماعی و تعاریف مفهومی آن

شاخص	مؤلفه	تعاریف عملیاتی
مشارکت	ذهنی	تمایل فرد نسبت به مشارکت
		تصور فرد از هزینه‌های مشارکت
بی‌قدرتی		تصور فرد نسبت به تمایل مسئولان به مشارکت شهروندان
		نگرش فرد نسبت به مشارکت در پرداخت عوارض شهری
انسجام (همبستگی اجتماعی)	تعامل	نگرش نسبت به امکان تأثیر فرد بر محیط زندگی خود
	نزاع	میزان و نحوه ارتباط فرد با گروه‌های همسایگان و اقوام
		درگیری و نزاع میان گروه‌های همسایگان و اقوام

شدت پذیرش و وجود احساس تعلق جمعی در میان افراد محلّ و اقوام	گرایش نسبت به یکدیگر	
مسئولیت‌پذیری، همکاری برای حلّ مشکل، پایبندی به قول و قرار، تکروری، صداقت و راستی و دو رویی در بین اقوام و همسایگان	بین شخصی	هنجار
میزان اعتماد به همسایگان و اقوام	بین شخصی	اعتماد
میزان اعتماد به افراد اجتماع	تعمیم یافته	
میزان اعتماد افراد به گروه‌ها و اصناف	نهادی	
میزان امنیت محلّه در روز و شب	امنیت در روز/ شب	امنیت
تعیین مکان نقاط نا امن محلّه	مکان یابی نقاط نا امن	

۳-۶- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزار (SPSS version 16) و آماره‌های توصیفی و تحلیلی آن انجام پذیرفت. در روش‌های آماری توصیفی از میانگین، جداول فراوانی، درصد‌های فراوانی، نمودارها و... استفاده شد. در روش‌های آماری استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون^۱ (برای داده‌های نسبی - نسبی)، ضریب همبستگی اسپیرمن^۲ (برای همبستگی بین داده‌های ترتیبی - ترتیبی)، آزمون یومان ویتنی^۳ (برای آزمون تفاوت معناداری بین دو گروه بر اساس متغیر ترتیبی)، آزمون کروسکال والیس^۴ (برای آزمون تفاوت معناداری بین بیش از دو گروه با متغیر ترتیبی)، آزمون کندال تا ا ب^۵ (برای

1. Pearson Correlation
2. Spearman Correlation
3. Mann-Whitney U Test
4. Kruskal-Wallis Test
5. Kendall's Tau-b

متغیر ترتیبی - ترتیبی با جدول توافقی مربعی (آزمون کندال تا τ^1) (برای متغیر ترتیبی - ترتیبی با جدول توافقی مستطیل) استفاده شد.

۴- یافته‌های پژوهش

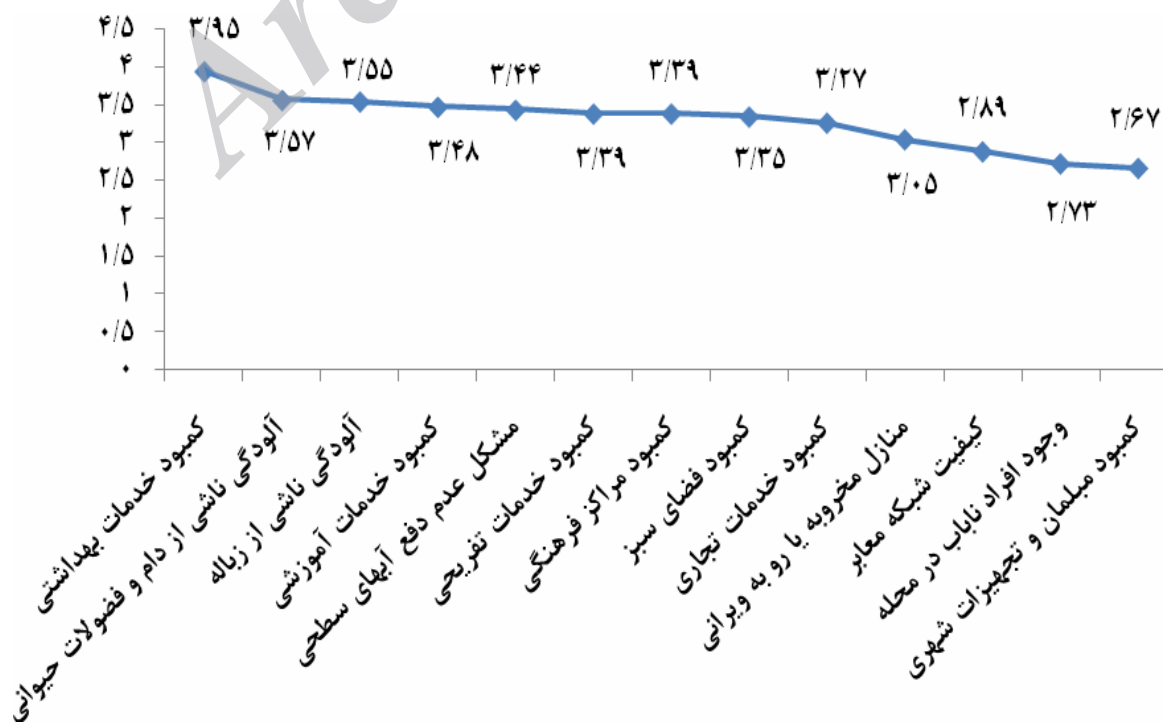
۴-۱- یافته‌های توصیفی

در پیمایش بر روی ۹۷ نفر از ساکنان محله فیروزسالار ۷۳/۲ درصد از پاسخگویان را مردان و ۲۷/۸ درصد را زنان تشکیل داده‌اند، که تمام این پاسخگویان ترک، پیرو مذهب شیعه و زبان مادریشان آذری است. ۵۳/۴ درصد از پاسخگویان متأهل و ۴۶/۶ درصد، مجرد بوده، و هیچ کدام از پاسخگویان مشمول گزینه طلاق یا بی‌همسر بر اثر فوت نبوده‌اند. میزان تحصیلات ۴۶/۴ درصد از پاسخگویان دیپلم، ۱۲/۴ درصد فوق دیپلم، ۳۳ درصد لیسانس و ۸/۲ درصد پایین‌تر از دیپلم بوده است. ۶۲/۸ درصد از پاسخگویان شاغل، ۱۹/۶ درصد محصل و دانشجو، ۷/۲ درصد خانه‌دار، ۱۰/۴ درصد نیز بیکار و بازنشسته بوده‌اند. پاسخگویان شاغل جمعاً ۶۱ نفر بودند که از این میان، ۱۸/۰۳ درصد کارمند، ۸/۱۹ درصد کشاورز، ۴/۹۱ درصد شاغل بخش خدمات، ۶/۵۵ درصد راننده و ۴۷/۵۴ درصد پاسخگویان نیز صاحبان مشاغل آزاد بودند. سن ۳۶/۱ درصد از پاسخگویان کمتر از ۲۵ سال، ۴۸/۵ درصد بین ۲۵ تا ۳۴ سال و ۱۵/۵ درصد، بیش از ۳۵ سال بوده است. میانگین سنی پاسخگویان سی سال و جوانترین پاسخگو ۱۸ سال و پیرترین پاسخگو ۶۶ سال سن داشته‌اند. ۸/۲ درصد از پاسخگویان بین ۵ تا ۱۰ سال، ۱۵/۵ درصد بین ۱۰ تا ۲۰ سال، بیشترین گروه از ساکنین، یعنی ۵۷/۷ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال و ۸/۲ درصد بیش از ۴۰ سال بودند که در محله اقامت داشتند، بنابراین در مجموع اکثر ساکنین محله از ساکنین قدیمی محله هستند. ۳۲ درصد از منازل پاسخگویان نوساز، ۴۶/۴ درصد قابل نگهداری، ۱۱/۳ درصد تعمیری و ۷/۲ درصد تخریبی بوده

است. مقایسه کیفیت ساختمانی با قدمت بنا نشان می‌دهد که منازل تخریبی ۷/۷ درصد کمتر از منازل با قدمت بیش از ۳۰ سال بیان شده است. به نظر می‌رسد علت این تفاوت در گروه‌های سنی پاسخگویان است، بطوری که افراد بالای ۴۴ سال، منازل با قدمت بیش از سی سال را قابل نگهداری و در مقابل افراد جوان‌تر تخریبی بیان نموده‌اند. این امر نشان از تعلق مکانی افراد سالمند به منازلشان دارد، در حالی که این تعلق در بین جوانان کمتر مشاهده می‌شود.

همان طور که نمودار ۱ نیز نشان می‌دهد، با اهمیت‌ترین مشکلات محلّه، کمبود خدمات بهداشتی (با میانگین ۳/۹۵)، آلودگی ناشی از دام و فضولات حیوانی (۳/۵۷)، آلودگی ناشی از زباله (۳/۵۵)، کمبود خدمات آموزشی (۳/۴۸) و عدم دفع صحیح آبهای سطحی (۳/۴۴) بوده است که با در نظر نگرفتن کمبود خدمات آموزشی، در مجموع بیانگر کیفیت نامطلوب زیست‌محیطی و بهداشتی محلّه است. کمبود خدمات تفریحی، مراکز فرهنگی و فضای سبز نیز در مراحل بعدی اهمیت قرار دارند. کمترین مشکلات نیز مربوط به وجود افراد ناباب در محلّه و کمبود مبلمان و تجهیزات شهری است.

نمودار ۱- مشکلات محلّه از نظر پاسخگویان



همان طور که در شاخص‌های پژوهش نیز ذکر شد، هر کدام از مؤلفه‌های اصلی از جمله مشارکت، هنجار اجتماعی، اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، بی‌قدرتی با شاخص‌ها و یا گویه‌های مختلفی سنجیده شد. نمودار ۲ میانگین هر یک از شاخص‌ها را نشان می‌دهد.

نمودار ۲ - میانگین شاخص‌های پژوهش



بر اساس نمودار ۲، بالاترین میانگین مربوط به امنیت با میانگین ۳/۹۵ می‌باشد و بعد از آن گرایش به همسایگان (۳/۷۵) است، اما در عین حال نزاع با همسایگان نیز وجود دارد که این نزاع در بین ساکنان منازل آپارتمانی به دلیل اشتراکات بیشتر، بیش از ساکنان منازل حیاط‌دار است. هزینه‌های مشارکت نزد ساکنان محله با میانگین ۳/۵۸ بیش از متوسط ارزیابی شده است، اما در عین حال تمایل به مشارکت نیز متوسط به بالا ارزیابی شده است که پتانسیل مناسبی برای برنامه‌ریزی محله - مبنا است. میانگین نظر ساکنان در خصوص تمایل مسئولین به مشارکت شهروندان در امور شهر، متوسط به بالا است، که حاکی از نگرش مثبت شهروندان به مسئولین شهری می‌باشد. تأکید بر هنجارهای همسایگی متوسط به بالا می‌باشد که می‌تواند نقطه قوتی برای تأکید بر

برنامه‌ریزی محله - مبنا باشد. در بین پاسخگویان اعتماد نهادی بیش از اعتماد به همسایگان و اعتماد به همسایگان بیش از اعتماد تعمیم یافته است، بنابراین اعتماد درون گروهی بیش از اعتماد بین گروهی ارزیابی می‌شود. احساس بی‌قدرتی با میانگین ۳/۰۹ بیش از متوسط ارزیابی می‌شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش، توزیع فراوانی تمایل به مشارکت ساکنین محله فیروزسالار به شرح جدول ۳ می‌باشد.

جدول ۳- تمایل به مشارکت ساکنان محله فیروزسالار

تمایل به مشارکت	بسیار کم		کم		متوسط		زیاد		بسیار زیاد		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
	۰	۰	۰	۰	۲۱	۲۵	۵۶	۶۶/۷	۷	۸/۳	۸۴	۱۰۰

همان‌طور که در جدول ۳ دیده می‌شود، تمایل به مشارکت در نزد ۲۵ درصد از پاسخگویان متوسط است، ۶۶/۷ درصد از پاسخگویان زیاد و ۸/۳ درصد بسیار زیاد عنوان شده است. تمایل به مشارکت هیچ‌یک از پاسخگویان، کم و بسیار کم نبوده است.

۴-۲- یافته‌های تحلیلی

در این بخش به بررسی دو فرضیه مطرح شده پرداخته می‌شود.

- فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی و تمایل به

مشارکت ساکنان محله فیروزسالار در برنامه‌ریزی محله رابطه وجود دارد.

شاخص‌های سرمایه اجتماعی انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، بی‌قدرتی،

هنجارهای اجتماعی و امنیت در محله در نظر گرفته شدند و تمایل به مشارکت بعنوان

متغیر وابسته که عنصر اصلی مؤلفه برنامه‌ریزی محله- مبنا است مورد سنجش واقع شد. بر این اساس بعد از توصیف جدول دو بعدی به آزمون فرضیه پرداخته می‌شود. همان طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، ۱۲/۵ درصد از افراد دارای سرمایه اجتماعی بسیار کم، تمایل به مشارکت‌شان متوسط است و تمایل به مشارکت در هیچ یک از افراد این گروه، بسیار زیاد نیست. ۷۱/۴ درصد از پاسخگویان دارای سرمایه اجتماعی کم، تمایل به مشارکت‌شان متوسط است. ۷۳/۱ درصد پاسخگوییانی که سرمایه اجتماعی متوسطی دارند، تمایل‌شان به مشارکت متوسط است و ۸۸/۸ درصد از پاسخگوییانی که سرمایه اجتماعی زیادی دارند، تمایل‌شان به مشارکت نیز زیاد و بسیار زیاد است و ۱۰۰ درصد پاسخگوییانی که سرمایه اجتماعی‌شان بسیار زیاد است، تمایل به مشارکت‌شان نیز زیاد است.

جدول ۴: توزیع فراوانی سرمایه اجتماعی و تمایل به مشارکت

تمایل به مشارکت						
جمع	بسیار زیاد	زیاد	متوسط			
۸	۰	۷	۱	فراوانی	بسیار کم	سرمایه اجتماعی
۱۰۰	۰	۸۷/۵	۱۲/۵	درصد		
۷	۰	۲	۵	فراوانی	کم	
۱۰۰	۰	۲۸/۶	۷۱/۴	درصد		
۲۶	۳	۱۹	۴	فراوانی	متوسط	
۱۰۰	۱۱/۵	۷۳/۱	۱۵/۴	درصد		
۹	۴	۴	۱	فراوانی	زیاد	
۱۰۰	۴۴/۴	۴۴/۴	۱۱/۱	درصد		
۷	۰	۷	۰	فراوانی	بسیار زیاد	
۱۰۰	۰	۱۰۰	۰	درصد		

بر اساس جدول ۵، بین سرمایه اجتماعی و تمایل به مشارکت رابطه معنادار وجود دارد و سنجش این رابطه با ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که شدت همبستگی ۰/۴۹۲ و در جهت مثبت است و این رابطه با درجه معناداری ۰/۰۰۰ تایید شد.

جدول ۵ - همبستگی بین سرمایه اجتماعی و تمایل به مشارکت

تمایل به مشارکت	همبستگی	
۰/۴۹۲	ضریب همبستگی اسپیرمن	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۰	معناداری	
۶۴	فراوانی	

بنابراین بر اساس جدول ۵، فرضیه اول اثبات می‌شود و در سطح ۹۹ درصد قابل تعمیم به کلیه ساکنان محله فیروزسالار است. بدین معنا که به احتمال ۹۹ درصد، افزایش شاخص‌های سرمایه اجتماعی سبب افزایش تمایل ساکنان محله به مشارکت برای حل مشکلات محله می‌شود.

فرضیه دوم: بین مشکلات محله فیروزسالار و تمایل به مشارکت در برنامه‌ریزی محله رابطه وجود دارد.

مشکلات محله بر اساس شاخص‌های بهداشت محیط، کمبود خدمات بهداشتی و درمانی، خدمات فرهنگی، آموزشی، تفریحی و ورزشی و تجاری، کیفیت شبکه معابر، کیفیت محیط مسکونی، عدم وجود امنیت در محله، کمبود فضای سبز و کمبود مبلمان و تجهیزات شهری از نظر ساکنان محله فیروزسالار سنجیده شد. نتایج بدست آمده نشان داد، در مجموع میانگین مشکلات محله ۳/۳۲ و متوسط به بالا است.

جدول ۶: توزیع فراوانی مشکلات محله

جمع		بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		بسیار کم		مشکلات محله
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰	۹۳	۱۲/۹	۱۲	۳۲/۳	۳۰	۳۴/۴	۳۲	۲۰/۴	۱۹	۰	۰	

همان طور که جدول ۷ نشان می‌دهد، ۷۳/۷ درصد از افرادی که مشکلات محله را کم ارزیابی نموده‌اند، تمایل به مشارکت در آنان زیاد است، که این میزان در بین افرادی که مشکلات محله را متوسط ارزیابی نموده‌اند ۶۴/۵ درصد است. ۳۳/۳ درصد از پاسخگویانی که مشکلات محله را زیاد ارزیابی نموده‌اند، تمایل به مشارکت در آنان متوسط بوده است، این میزان در بین افرادی که مشکلات محله را بسیار زیاد عنوان نموده‌اند، بیشتر است و برابر با ۵۵/۶ درصد است. جدول ۷ معناداری این روابط را نشان می‌دهد.

جدول ۷ - توزیع فراوانی مشکلات محله به تفکیک تمایل به مشارکت در نزد پاسخگویان

تمایل به مشارکت						
جمع	بسیار زیاد	زیاد	متوسط			
۱۹	۴	۱۴	۱	فراوانی	کم	مشکلات محله
۱۰۰	۲۱/۱	۷۳/۷	۵/۳	درصد		
۳۱	۳	۲۰	۸	فراوانی	متوسط	
۱۰۰	۹/۷	۶۴/۵	۲۵/۸	درصد		
۲۱	۰	۱۴	۷	فراوانی	زیاد	
۱۰۰	۰	۶۶/۶	۳۳/۳	درصد		
۹	۰	۴	۵	فراوانی	بسیار زیاد	
۱۰۰	۰	۴۴/۴	۵۵/۶	درصد		

در نهایت برای تعیین جهت و شدت رابطه بین میزان مشکلات محله و تمایل به مشارکت از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. همان طور که جدول ۸ نشان می‌دهد، بین ارزیابی از مشکلات محله و تمایل به مشارکت رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. بدین معنا که هر چه مشکلات افزایش یابد، تمایل به مشارکت نیز کاهش می‌یابد. شدت این همبستگی $-0/387$ می‌باشد و درجه معناداری نیز $0/000$ است. بنابراین فرضیه دوم نیز با اطمینان ۹۹ درصد تایید می‌گردد و قابل تعمیم به کلیه ساکنان محله فیروزسالار می‌باشد.

جدول ۸: همبستگی بین میزان مشکلات و تمایل به مشارکت

تمایل به مشارکت	همبستگی	
$-0/387$	ضریب همبستگی اسپیرمن	مشکلات
$0/000$	معناداری	
۸۷	فراوانی	

۴-۳- تحلیل رگرسیون

تحلیل رگرسیون به بررسی همبستگی‌های چندگانه بین متغیرهای مستقل با متغیرهای وابسته تحقیق می‌پردازد. از آنجا که تحلیل رگرسیون در سطح فاصله‌ای از قابلیت اعتماد بیشتری برخوردار است، پس تمام متغیرها در سطح سنجش فاصله‌ای مورد بررسی قرار گرفتند.

در این پژوهش همان طور که ذکر آن رفت تمایل به مشارکت متغیر وابسته و اعتماد اجتماعی، هنجارهای گروهی، امنیت، انسجام اجتماعی، بی‌قدرتی و مشکلات محله، بعنوان متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول ۹: همبستگی‌های چندگانه میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته

مدل	همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تطبیق داده شده	تخمین خطای استاندارد
۱	۰/۸۱۷	۰/۶۶۷	۰/۶۳۰	۰/۳۰۸۸۷

همان طور که جدول ۹ نشان می‌دهد، میزان همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (تمایل به مشارکت) برابر با ۰/۸۱۷ است که همبستگی قوی، مثبت و بالایی را نشان می‌دهد.

ضریب تعیین برابر با ۰/۶۶۷ است. ضریب تعیین نشانگر این است که ۰/۶۶۷ درصد از واریانس تمایل به مشارکت ساکنان محله فیروزسالار، توسط متغیرهای مستقل پژوهش (اعتماد اجتماعی، هنجارهای گروهی، امنیت، انسجام اجتماعی، بی‌قدرتی و مشکلات محله) تبیین می‌شود. بنابراین ۰/۳۳۳ از میزان متغیر تمایل به مشارکت با متغیرهایی تبیین می‌شود که در پژوهش بدان‌ها پرداخته نشده است.

۴-۳-۱- پیش‌بینی متغیر وابسته بوسیله متغیرهای مستقل

جدول ۱۰ مکان پیش‌بینی متغیر وابسته از روی متغیرهای مستقل را ممکن می‌سازد. در جدول ۱۰ در صورتیکه مقدار عددی متغیرهای مستقل برابر با صفر باشد، مقدار عددی متغیر وابسته (تمایل به مشارکت) برابر با ۱/۹۱۷- خواهد بود.

جدول ۱۰: پیش‌بینی متغیر مستقل از روی متغیر وابسته

سطح معناداری	مقدار t	ضریب استاندارد بتا	ضرایب غیر استاندارد		مدل
			خطای استاندارد	بتا	
۰/۰۰۰	- ۳/۸۳۵		۰/۹۱۸	- ۳/۵۲۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۴/۶۰۰	۰/۴۷۴	۰/۱۴۵	۰/۶۶۵	اعتماد
۰/۰۹۱	۱/۷۲۴	۰/۱۵۹	۰/۱۰۵	۰/۱۸۰	هنجار
۰/۰۰۰	۶/۹۸۳	۰/۷۱۳	۰/۱۱۰	۰/۷۷۰	امنیت
۰/۰۰۳	۳/۱۵۵	۰/۲۸۲	۰/۰۶۶	۰/۲۰۹	بی‌قدرتی
۰/۰۰۰	- ۴/۲۱۳	-۰/۳۹۰	۰/۰۵۹	- ۰/۲۴۹	مشکلات
۰/۰۰۰	۶/۶۹۷	۰/۷۱۹	۰/۱۰۰	۰/۶۶۹	انسجام اجتماعی

اگر پاسخ‌های هر شهروند در مقایسه با سایر پاسخها و بر مبنای انحراف‌معیار سنجیده شود، آنگاه معادله معمولی رگرسیون تبدیل به معادله استاندارد می‌شود، که در ادامه بیان می‌شود:

در معادله استاندارد رگرسیون، ضریب رگرسیون یا همان (β) برای متغیر اعتماد ۰/۳۹۳ است، یعنی به ازای تغییر یک واحد انحراف معیار در میزان اعتماد به شرط ثابت نگه داشتن سایر عوامل، ۰/۳۹۳ واحد انحراف معیار در تمایل به مشارکت ساکنان محله در همان جهت تغییر، ایجاد خواهد شد. ضریب رگرسیون برای سایر مولفه‌ها نیز بدین‌گونه محاسبه شد. بر این اساس معادله استاندارد رگرسیون به شرح زیر است:

$$\begin{aligned}
 &+ (\text{نمره استاندارد امنیت}) ۰/۷۱۳ + (\text{نمره استاندارد هنجار اجتماعی}) ۰/۱۵۹ = \text{نمره استاندارد میزان تمایل به مشارکت} \\
 &+ (\text{نمره استاندارد اعتماد}) ۰/۴۷۴ + (\text{نمره استاندارد انسجام اجتماعی}) ۰/۷۱۹ + (\text{نمره استاندارد مشکلات}) -۰/۳۹۰ \\
 &(\text{نمره استاندارد بی‌قدرتی}) ۰/۲۸۲
 \end{aligned}$$

شیب رگرسیون بدست آمده برای متغیرهای اعتماد، امنیت، بی قدرتی، مشکلات و انسجام اجتماعی با توجه به آزمون به عمل آمده، معنادار و قابل قبول است و در سطح اطمینان ۹۹ درصد قابل تعمیم به کل ساکنان محله فیروزسالار است، اما شیب رگرسیون برای متغیر هنجار اجتماعی قابل قبول نیست و قابلیت تعمیم دادن به سایر ساکنان را ندارد.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که مهمترین عامل در تمایل به مشارکت، میزان انسجام اجتماعی با ضریب تاثیر ۰/۷۱۳ است. بدین معنی که به ازای هر یک واحد که از میزان انسجام اجتماعی کاهش یابد، ۰/۷۱۳ واحد تمایل به مشارکت کاهش می‌یابد. بعد از آن عامل احساس امنیت با ضریب تاثیر ۰/۶۷۴ بیشترین تاثیر را بر تمایل به مشارکت دارد. متغیر مشکلات با ضریب تاثیر ۰/۴۴۰ - سومین متغیر اثرگذار بر تمایل به مشارکت است. عامل مشارکت در جهت معکوس عمل می‌کند یعنی با کاهش مشکلات، تمایل به مشارکت افزایش می‌یابد. عامل چهارم میزان اعتماد است، با افزایش یک واحد سطح اعتماد اجتماعی، تمایل به مشارکت ۰/۳۹۳ افزایش می‌یابد. عامل پنجم متغیر بی- قدرتی است، نکته جالب آنکه با افزایش بی قدرتی تمایل به مشارکت نیز افزایش می‌یابد و این نقطه مثبت و قابل بررسی است، زیرا افرادی که احساس بی قدرتی دارند به این باور رسیده‌اند که یکی از راههای رهایی از بی قدرتی، مشارکت در اجتماع است و می‌توانند برای شروع از مشارکت در رفع مشکلات محله آغاز نمایند. در نهایت هنجارهای اجتماعی کمترین تاثیر را بر تمایل به مشارکت دارند.

جدول ۱۱: ضریب تاثیر و سطح معناداری متغیرهای مستقل با استفاده از روش رگرسیون

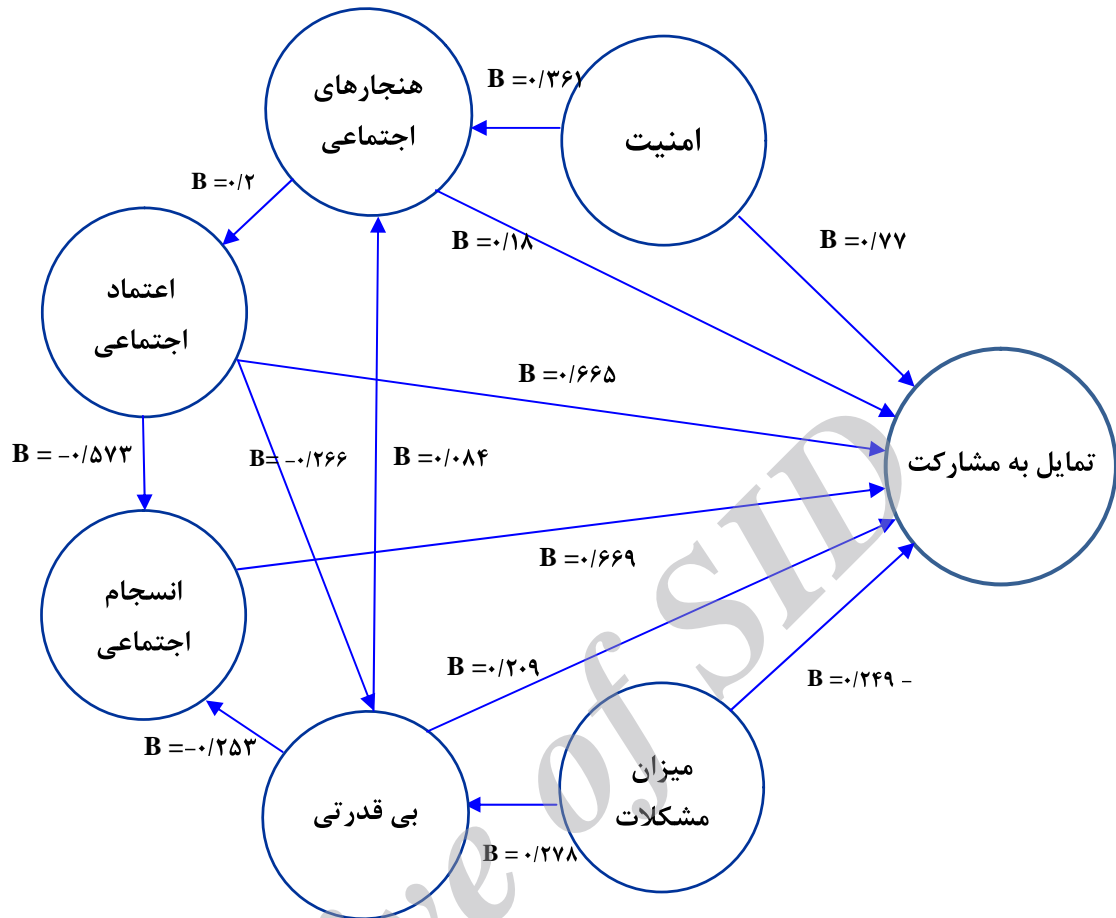
بر حسب اولویت

سطح معناداری	ضریب تاثیر	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۰/۷۱۹	انسجام اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۷۱۳	امنیت
۰/۰۰۰	-۰/۳۹۰	مشکلات
۰/۰۰۰	۰/۴۷۴	اعتماد
۰/۰۰۲	۰/۲۸۲	بی قدرتی
۰/۰۵۴	۰/۱۵۹	هنجار

۴-۳-۲- تحلیل مسیر

تحلیل مسیر^۱ به بررسی اثر علی هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یعنی میزان تمایل به مشارکت ساکنان محله فیروزسالار می‌پردازد. بر اساس تکنیک تحلیل مسیر، می‌توان مدل تحلیلی تحقیق را آزمون نمود. نمودار ۳ تحلیل مسیر را برای متغیرهای مستقل در ارتباط با متغیر وابسته نشان می‌دهد.

نمودار ۳ - تحلیل مسیر متغیرهای مستقل



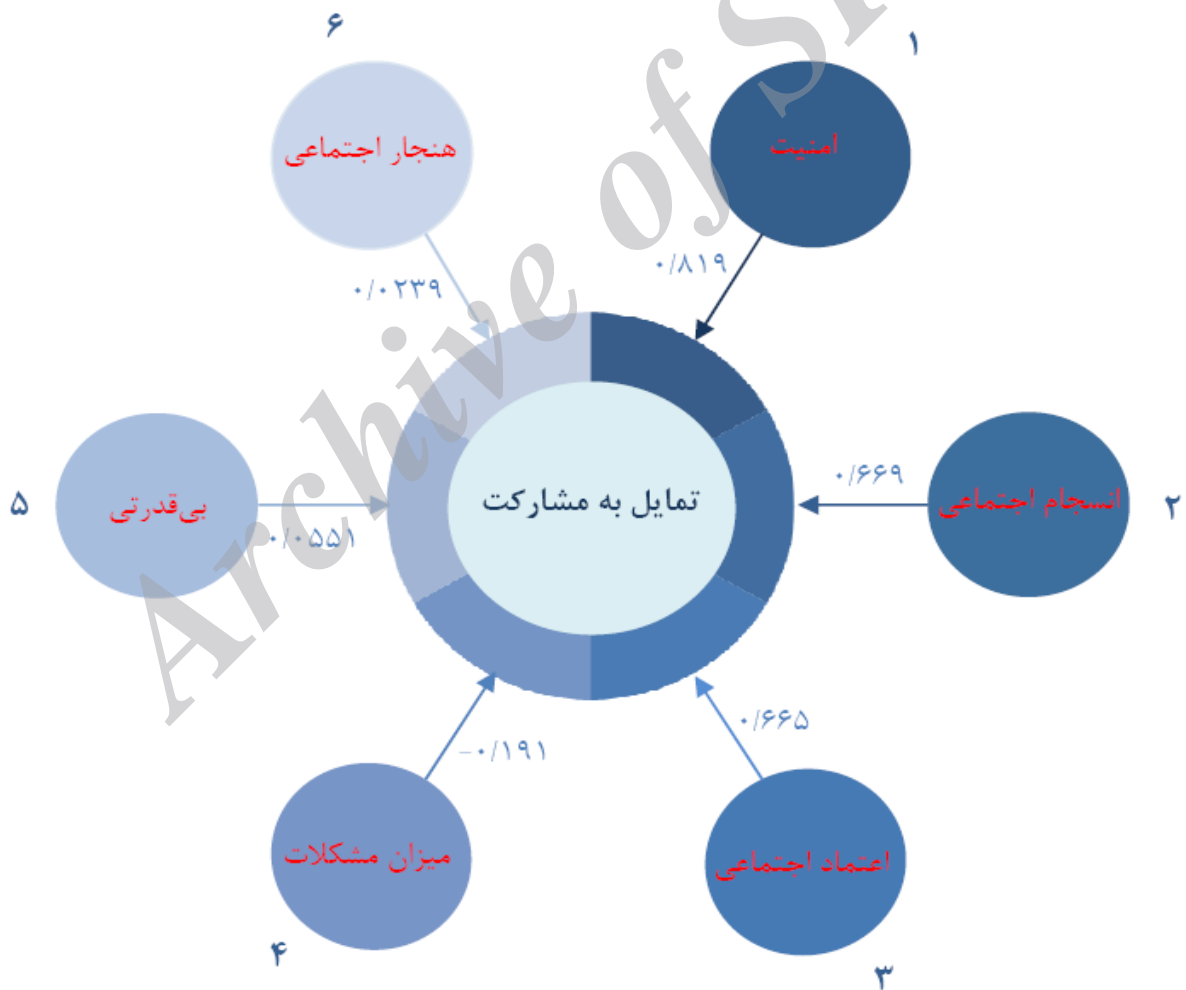
بر اساس نمودار ۳ می‌توان ضریب تاثیرات علی مستقیم و غیرمستقیم را محاسبه نمود، که نتایج آن به شرح جدول ۱۲ می‌باشد.

جدول ۱۲- اولویت متغیرهای مستقل بر تمایل به مشارکت ساکنان محله فیروزسالار

اولویت	اثر علی	متغیرهای مستقل
دوم	۰/۶۶۹	انسجام اجتماعی
سوم	۰/۶۶۵	اعتماد اجتماعی
پنجم	۰/۰۵۵۱	بی قدرتی
چهارم	-۰/۱۹۱	میزان مشکلات
ششم	۰/۰۲۳۹	هنجار اجتماعی
اول	۰/۸۱۹	امنیت

همان طور که جدول ۱۲ و نمودار ۳ نشان می‌دهد، عوامل اثرگذار بر تمایل به مشارکت ساکنان محله فیروزسالار بر حسب اولویت عبارتند از: امنیت با تاثیر علی ۰/۸۱۹ در مرتبه اول، انسجام اجتماعی با ۰/۶۶۹ در مرتبه دوم، اعتماد اجتماعی با ۰/۶۶۵، میزان مشکلات با ۰/۱۹۱ - و بی‌قدرتی ۰/۰۵۵۱ به ترتیب در مرتبه سوم، چهارم و پنجم و نهایتاً هنجار اجتماعی با تاثیر علی ۰/۰۲۳۹ در آخرین مرتبه قرار دارد.

نمودار ۴ - اولویت و اثر علی متغیرهای مستقل بر تمایل به مشارکت ساکنان محله فیروزسالار



۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی پیامدهای منفی رویکرد نیاز- مبنا به عنوان یک رویکرد سنتی، توسعه‌ دارایی- مبنای اجتماعات محلی به عنوان رویکرد جایگزین بر پایه برنامه‌ریزی محله- مبنا مطرح شد، زیرا امروزه ایجاد هرگونه تغییر به منظور توسعه محله بدون توجه به ظرفیت‌های اجتماع محلی و نقش‌آفرینی گروه‌های ذینفع ممکن نیست. این رویکرد بر این نکته تأکید دارد که اجتماعات محلی به خصوص انجمن‌ها و گروه‌های مشارکتی در این اجتماعات باید فرایند توسعه را پیش ببرند و در این میان نقش عوامل خارجی این است که دارایی‌های محلی و منابع را برای دستیابی به اهداف، بسیج و سازماندهی کنند. توسعه‌ دارایی- مبنا به طور خاص از ظرفیت‌هایی استفاده می‌کند که ماهیت اجتماعی دارند و از خلال فرایندهای جمعی مانند: مشارکت در شبکه‌ها و ارتباطات محلی شکل می‌گیرند. از این رو تمایل به مشارکت اصلی‌ترین ذینفعان محله فیروزسالار گوگان، که همانا ساکنانش هستند، بعنوان متغیر وابسته این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت تا اثر متغیرهای مستقل که سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی و همچنین مشکلات محله هستند بر تمایل به مشارکت ارزیابی شود.

نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی، همبستگی بالا و مثبتی با تمایل به مشارکت وجود دارد، بطوری که با تقویت سرمایه‌های اجتماعی می‌توان به افزایش تمایل به مشارکت نیز امیدوار بود. چنان که موسوی بیان می‌کند، مشارکت اجتماعی تحقق نمی‌یابد، مگر با وجود تحقق مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (موسوی، ۱۳۸۵: ۸۸). نتایج حاصل از سنجش ظرفیت سرمایه اجتماعی در محله فیروزسالار، شاخص‌های سرمایه اجتماعی را بطور میانگین متوسط به بالا نشان داد. این در حالی است که تحقیق‌های انجام شده در زمینه‌های مشابه نشان می‌دهد که محله‌های

محروم در مقایسه با سایر محله‌ها، خیلی بیشتر با خطر کمبود سرمایه اجتماعی^۱ و همبستگی اجتماع‌ها^۲ مواجه هستند (K?hrik, 2006: 11).

نتایج تحلیل مسیر نشان داد که مهمترین عامل در تمایل به مشارکت، بعد از امنیت با تأثیر علی ۰/۸۱۹، انسجام اجتماعی با تأثیر علی ۰/۶۶۹ است. این در حالی است که در تحقیق انجام شده توسط موسوی بر روی شهروندان ۱۵ سال به بالای تهرانی، بین انسجام اجتماعی و تمایل ذهنی به مشارکت اجتماعی مطابق با آزمون معنی‌داری تا او بی‌کنندال، رابطه معنی‌داری وجود ندارد (Sig 024/0-: Kendall's tau-b: ۰/۵۰۷)، (موسوی، ۱۳۸۵: ۸۸). بنابراین این تحقیق با رویکرد ارایه شده توسط آقای حاجی‌پور (۱۳۸۵: ۴۴) موافق است، که اظهار می‌کند: به کارگیری برنامه‌ریزی محله- مبنا بیش از هر چیز نیازمند انسجام و یکپارچگی ساکنان در یک اجتماع محله‌ای و تقویت بسترها و زمینه‌های هویت‌ساز محله‌ای است.

کمترین عامل تأثیرگذار بر تمایل به مشارکت شهروندان در حل مشکلات محله، هنجارهای اجتماعی با تأثیر علی ۰/۰۲۳۹ است.

اعتماد اجتماعی با تأثیر علی ۰/۶۶۵، سومین عامل اثرگذار بر تمایل به مشارکت شهروندان در حل مشکلات محله است. مشکلات محله چهارمین متغیر اثرگذار بر تمایل به مشارکت است، که با ضریب تأثیر ۰/۱۹۱- بر تمایل به مشارکت در جهت معکوس عمل می‌کند، یعنی با کاهش مشکلات، تمایل به مشارکت نیز افزایش می‌یابد. بر اساس یافته‌های پژوهش میانگین بی‌قدرتی (۳/۰۹)، متوسط به بالا بوده و پنجمین متغیر اثرگذار بر مشارکت با تأثیر علی ۰/۰۵۵۱، بعد از مشکلات محله است.

بین احساس بی‌قدرتی و تمایل به مشارکت رابطه مثبت وجود دارد و افرادی که احساس بی‌قدرتی بیشتری می‌نمایند، تمایل به مشارکت نزد آنان بیش از سایرین است. نتیجه این تحقیق، با یافته‌های بدست آمده از علوی‌تبار در سه شهرستان شیراز، گرگان و

1. Social Capital
2. Community Cohesion

همدان ناسازگار است، وی در این تحقیق اظهار می‌دارد که، میان بی‌قدرتی و گرایش به مشارکت، همبستگی مثبت وجود داشته و تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد، که هر کس احساس قدرت بیشتری در خود کند و تصور مثبت‌تری از خود داشته باشد، گرایش بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های در سطح محله دارد (علوی‌تبار، ب ۱۳۸۲: ۹۶). بنابراین در محله فیروزسالار می‌توان نتیجه گرفت که هر چه احساس بی‌قدرتی افزایش یابد، تمایل به مشارکت افزایش خواهد یافت، چنانکه افراد بی‌قدرت و حاشیه‌ای برای مشارکت تمایل نشان می‌دهند تا از احساس بی‌قدرتی رها شوند و این امر به نظر می‌رسد ناشی از آگاهی ساکنین محله فیروزسالار نسبت به موانع بی‌قدرتی است.

علاوه بر این در بین متغیرهای مستقل بیشترین تأثیر علی با مقدار ۰/۵۷۳-، میان انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی است. بطورکلی سنجش انسجام اجتماعی در روابط با همسایه‌ها و اعتماد با تمام ابعادش (بین شخصی، نهادی و تعمیم یافته) نشان داد، در این محله انسجام درونی سبب کاهش اعتماد تعمیم یافته شده است، که پاتنام (۱۳۸۴) نیز به این نکته بعنوان یکی از مخاطرات انسجام درونی در گروهها اشاره و بیان نموده است، که همبستگی درون گروهی از قابلیت اعضای گروه برای همکاری با افراد بیرون از گروه می‌کاهد و اغلب آثار خارجی منفی را بر افراد بیرونی تحمیل می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۴: ۱۷۳). این نکته مهم هر چند با تأکید بر روابط درون گروهی می‌تواند برای برنامه‌ریزی در سطح محله نقطه قوت محسوب شود، اما به نظر می‌رسد برای برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی در سطح کل شهر یا شهرنگر می‌تواند به عنوان یک تهدید اساسی قلمداد شود. چنانچه جین جیکوبز در سال ۱۹۶۱ در کتاب «مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ امریکایی» ضمن نقد کردن طرح‌های هاوراد، کلرنس پری، کلرنس اشتاین و... هشدار داده است که هر چند واژه‌های همسایگی، امروزه به یک شعار محبوب تبدیل شده است، اما برخوردهای عاطفی و احساساتی با این مقوله برای شهرسازی بسیار زیانبار است، زیرا شهر را وادار می‌نماید تا به بدلی از زندگی شهرکهای کوچک و مناطق حومه‌ای تبدیل شود (پاکزاد،

۱۳۸۶: صص ۲۶۵-۲۶۶). ایسارک. ر. ^۱ با افکار و عقاید منتشره خود در فاصله سالهای (۱۹۴۸-۱۹۴۹) معتقد بود که واحد همسایگی شهری، ابزاری برای جدایی گروه‌های نژادی و اقتصادی است (Silver, 1985: 167). با این وصف باید توجه داشت که حرکت خرده فرهنگ‌ها به سوی نوعی خاص‌گرایی که با انگیزه هویت‌یابی و تشخیص هر چه بیشتری انجام می‌گیرد حرکتی ناگزیر است و چنانچه نظام مدیریتی نتواند این حرکت را درون خود هدایت و تنظیم کند، همواره امکان تبدیل شدن یک خرده فرهنگ به یک ضد فرهنگ که در تضاد با فرهنگ غالب قرار بگیرد را فراهم می‌کند (فکوهی، ۱۳۸۶: ۳۰۹).

منابع

- احمدی، حسن. (۱۳۷۹)، شهرسازی مشارکتی (عنوان سخنرانی)، خبرنامه داخلی جامعه مهندسان شهرساز، شماره ۱۴.
- ادواردز، جک ئی، ماری دی، پل روزن فلد و استفانی بوث کیولی. (۱۳۷۹)، تحقیق پیمایشی راهنمای عمل، ترجمه: داوود ایزدی و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- امین‌ناصری، آراز. (۱۳۸۶)، برنامه‌ریزی محله‌ای (مبانی، تعاریف، مفاهیم و روشها)، نشریه جستارهای شهرسازی، شماره نوزدهم و بیستم، تهران.
- ایراندوست، کیومرث. (۱۳۸۴)، مروری بر اهمیت بخش غیررسمی در توانمندسازی اجتماعات محلی فقیر، نمایه: مجموعه مقالات تخصصی مدیریت اجتماعی و فرهنگی شهری، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
- بوردیو، پیر. (۱۳۸۴)، شکل سرمایه‌های اجتماعی، مجموعه مقالات سرمایه و اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، تهران: نشر شیرازه.

- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۴)، جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۶)، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۱: از آرمان تا واقعیت، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت عمران شهرهای جدید.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حاجی‌پور، خلیل. (۱۳۸۵)، برنامه‌ریزی محله - مبنا رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶، تهران.
- سرمد، زهره و همکاران. (۱۳۸۲)، روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران، آگه.
- سعادت، رحمان. (۱۳۸۵)، تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.
- شکوئی، حسین. (۱۳۶۵)، جغرافیایی اجتماعی شهرها، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، تهران.
- عارفی، مهیار. (۱۳۸۰)، به سوی رویکرد دارایی - مبنا برای توسعه اجتماع محلی، ترجمه نوین تولایی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰، تهران.
- عزیزی، محمدمهدی. (۱۳۸۵)، محله مسکونی پایدار: مطالعه موردی نارمک، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، تهران.
- عسگری، علی. (۱۳۸۳)، مبانی نظری و سنخ‌شناسی نظریه‌های توسعه اجتماع محلی، چکیده مقالات همایش توسعه محله‌ای چشم‌انداز توسعه پایدار شهر تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، تهران.
- علوی‌تبار، علیرضا. (۱۳۸۲)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران) جلد اول، تهران: سازمان شهرداریهای کشور.

- علوی تبار، علیرضا، ب. (۱۳۸۲)، *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)* جلد دوم، تهران، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۶)، *انسان‌شناسی شهری*، چاپ چهارم، تهران، نشر نی.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی*، *مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی*، اعتماد، دموکراسی سرمایه، تهران، نشر شیرازه.
- قبادی، علیرضا. (۱۳۸۱)، *ضرورت مشارکت مردم در عرصه فرهنگ*، *مجموعه مقالات مردم و همگرایی تهران*، نشر آن، ص ۵۶-۳۳.
- گولد، جولیوس و ویلیام ل. کولب. (۱۳۷۶)، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ویراستار: محمد جواد زاهدی مازندرانی، تهران، نشر مازیار.
- موسوی، میرطاهر. (۱۳۸۵)، *مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی*، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
- موسوی، یعقوب. (۱۳۸۳)، *بررسی سیاست‌های شهری و توسعه اجتماعی*، نوع محلّه‌ای (شهر تهران) تجزیه‌ای جامعه‌شناختی، *چکیده مقالات همایش توسعه محلّه‌ای*، چشم انداز توسعه پایدار شهر تهران، چاپ اول، شهرداری تهران.
- نجاتی حسینی، محمود. (۱۳۷۹)، *پارادایم جدید مدیریت شهری*، نشریه مدیریت شهری، سال اول، شماره اول، بهار، صفحه ۱۰-۵.
- ولکاک، مایکل و دیپا نارایان. (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی و تبعات آن بر نظریه توسعه*، پژوهش و سیاست گذاری، *مجموعه مقالات سرمایه اجتماعی*، اعتماد، دموکراسی، تهران: نشر شیرازه.

- Barton, H. (2003), *Shaping Neighborhoods, London and New York*, Spon Press.

- Choguill, Charles L (2008), *Developing sustainable neighbourhoods*, www.Elsevier.com/locate/habitatint.

- Coleman, J.S (1994), *Foundation of Social Theory*, Harvard University Press.
- Department of Community Affairs (2005), *planning for Community Involvement, Guidebook for Citizens And Local Planners*, 60 Executive Park South, Ne Atlanta, Georgia 30329-2231 (404) 679-4940, www.dca.state.ga.us.
- Ferlander, S. (2003), *The Internet, Social Capital and Local Community*, Thesis submitted for the degree of doctor of philosophy.
- Forrest, R & Kearns, A (2001), *Social Cohesion, Social Capital and the Neighbourhood*, *Urban Studies*, Vol. 38, No. 12, 2125–2143.
- Grant, J. (2006), *Planning the Good Community: New Urbanism in Theory and Practice*, London & New York, Routledge.
- K?hrik, Anneli (2006), *Tackling social exclusion in European neighbourhoods: experiences and Lessons form the NEHOM project*, *GeoJournal*, Department of Geography, Tartu University.
- Morrison, Nicola (2003), *Neighbourhoods and Social Cohesion: Experiences from Europe*, *International Planning Studies*, Vol. 8, No. 2, 115–138.
- Putnam, R. D. (1992), *Getting Things Done in an Anti- Modern Society: Social Capital Network in Russia*. Washington Dc.
- Putnam, Robert D. and Kristin A.Goss. (2002) *Introudaction in Democracies in Flux*, p 3-21. OXFORD University Press.
- Shenjing He and Fulong Wu (2007) *Socio-spatial impacts of propertyled redevelopment on China’s urban neighbourhoods*, *Cities*, Vol. 24, No. 3, p. 194–208, 2007. www.elsevier.com/locate/cities.
- Silver, Christopher (1985), *Neighborhood Plnning in Historical Perspective*, *Japa Journal of the American Planning Association*, Vol, 51, No.2.